

بررسی تاریخ انقلاب اکتبر ، ساختمان سوسیالیسم در شوروی آنطور که بوده
و نه آنطوری که امپریالیست ها جعل و تحریف کرده اند

(5)

توطئه بزرگ

مایکل سیرز- آلبرت کان

کتاب دوم : اسرار نوار قرنطینه

برگردان : ماکان

از انتشارات حزب کار ایران (توفان)

بخش دهم

بسوی مرز فنلاند

1 - آنتی بلشویسم در برودوی

در یک روز پانیزی سال 1924 ، نمایندگانی از سفیدها برای استقبال از کشتی نیو آمستردام که حامل کاپیتن سیدنی ریلی و همسرش بمقصد آمریکا بود ، در اسکله بندر گرد آمده بودند .
به " قهرمان جهاد ضد بلشویکی " با دسته های گل ، سامپانی و خطابه های شورانگیز خوشامد گفته شد . بزودی ریلی به زندگی در ایالات متحده خو گرفت . در آن هنگام اعطای وام به روسیه بحث روز را تشکیل می داد . تعدادی از بارزگانان سرشناس آمریکایی از این امر پشتیبانی می کردند . دولت شوروی که از سویی اشتیاق فراوان برای برقراری روابط دوستانه با آمریکا و از سوی دیگر نیاز شدید به سرمایه و ماشین آلات برای نوسازی اقتصاد ویران خود داشت ، حاضر به دادن امتیازهایی برای دریافت این وام بود .

خانم ریلی بعدها نوشت :

آینده شوروی در رابطه با دریافت این وام درخشان بود . اما سیدنی اراده کرده بود که از تحقق این امر جلوگیری بعمل آورد . بخش بزرگی از فعالیت او در آمریکا در جهت اختلال در امر اعطای وام قرار داشت .

دیری نگذشت که ریلی کلیه کوششهای خود را در امر مبارزه بر علیه اعطای وام مزبور متمرکز نمود . دفتری خصوصی در جنوب برودوی (خیابان معروفی در نیویورک . م) باز کرد که بزودی بصورت مرکز عملیاتی توطئه گران سفید در سراسر ایالات متحده درآمد . بخش عمده ای از نشریات تبلیغاتی ضد شوروی از دفتر ریلی صادر و به کلیه نقاط ایالات متحده به آدرس سردبیران ، نویسندگان ، استادان ، سیاستمداران و بازرگانان صاحب نفوذ آمریکا پست می گردید .
ریلی مسافرت هایی سراسری را جهت ایراد سخنرانی های عمومی در مورد " تهدید بلشویسم و خطر آن برای تمدن و بازرگانی جهانی " بعهده گرفت . وی " گفتگوهای محرمانه ای " را با گروه های کوچک و برگزیده از مردان " وال استریت " و صاحبان صنایع ثروتمند در برخی شهرهای آمریکا ترتیب داد . خانم ریلی می نویسد :

سیدنی هم از طریق سخنرانی و هم توسط مقاله هایی در رسانه ها بر ضد اعطای وام به بلشویکها مبارزه می کرد . لازم به توضیح نیست که وی با کشفی پس از کشف دیگر و درکی پس از درک دیگر به پیروزی کامل دست یافت . اعطای وام به شوروی هرگز عملی نگردید . (1)
فعالیت ریلی در آمریکا تنها به خرابکاری در امر اعطای وام به شوروی محدود نمی شد . تلاش عمده وی در جهت ایجاد شاخه آمریکایی اتحادیه بین المللی ضدبلشویکی بود ، اتحادیه ای که قبلا در اروپا و روسیه بال و پر گسترانیده بود و شاخه های مختلف آن مدتی بود کار خود را در برلین ، لندن ، پاریس و رم و نیز در طول " نوار قرنطینه " مرکب از ایالات بالتیک و بالکان ،

آغاز نموده بودند. در خاور دور نیز شاخه ای از این سازمان که توسط ژاپن حمایت مالی شده و تحت سرپرستی تروریست معروف قزاق آتامان سمیونف قرار داشت در هاربین منچوری مستقر شده بود. در آمریکا اما دستگاهی سازمان یافته باین شکل وجود نداشت اگر چه مواد اولیه عالی برای ایجاد آن موجود بود ...

دوستان روسی ریلی بشتاب تمام وی را به صاحب نفوذترین و ثروتمندترین افراد در آمریکا که امکان پرداخت مساعدت های مالی عظیم در جهت گردانیدن جنبش ضد شوروی وی را داشتند معرفی نمودند.

ریلی در نامه ای محرمانه که در آن سال به یکی از مامورانش در اروپا نوشت اظهار کرد: "تا آنجا که مسئله مالی مطرح است، بازار برای فعالیتی این چنین تنها و تنها در اینجا فراهم است. اما کسی که برای بدست آوردن پول به اینجا می آید بایستی دارای نقشه های مشخص و عملی بوده و دارای برهان قاطع در مورد این مسئله باشد که اقلیت مربوطه در مدت زمانی قابل قبول خود را تجدید سازمان داده و کار و کاسبی را از سرخواهد گرفت." این "اقلیت مربوطه" که ریلی بزبان رمز به آن اشاره می کرد همان جنبش ضد شوروی در روسیه بود. "تجدید سازمان و از سرگرفتن کار و کاسبی" نیز اشاره به سرنگونی دولت شوروی بود. ریلی اضافه می کرد:

"بر اساس این امر، امکان این هست که بعنوان مثال به بزرگترین سازنده اتومبیلی نزدیک شد که به کسب امتیاز (در روسیه) علاقمند باشد. بشرط آنکه اثبات کافی برای تحقق این حق امتیاز (نه فقط در حرف) در برابر وی گزارده شود. چنانچه علاقه وی به این امر جلب شود، میتوان ادعا کرد که مسئله پول نیز حل شده است." بنابر "خاطرات ریلی" نوشته خانم ریلی، شوهر وی در این جا به هنری فورد اشاره میکند.

2 - ماموریت بی. یک

رهبری جنبش مهاجرین سفید شوروی در آمریکا با افسر سابق تزاری، ستوان باریس براسول مامور اخرا نا بود که قبلاً بعنوان دادستان در دادگاه عالی سنت پترزبورگ خدمت کرده بود. وی در سال 1916 بعنوان نماینده روسیه در کنفرانس متفقین در نیویورک، به آمریکا آمده و بعنوان افسر ویژه تزاری در آمریکا باقی مانده بود.

براسول مردی کوچک اندام، رنگ پریده و عصبی با رفتاری زنانه و دارای پیشانی شیب دار، بینی برجسته و چشمانی تیره بود. بعنوان مبلغ پرکار و با جدیت ضد یهود شهرت داشته وی در سال 1913 نقش کلیدی را در محاکمه بیلینس ایفا نموده بود.

پلیس مخفی تزاری کوشش داشت در جریان این محاکمه ثابت کند که یهودیان بقتلی مذهبی دست زده و پسر بچه ای مسیحی را در شهر کیف برای استفاده از خونس کشته اند. (2)

پس از انقلاب، براسول نخستین سازمان توطئه چینی سفید را در ایالات متحده برپا نمود. این سازمان بنام اتحادیه افسران نیروی زمینی و دریایی تزاری خوانده می شد و بطور عمده از اعضای سابق صدهای سیاه که در سال 1918 به آمریکا مهاجرت کرده بودند تشکیل می شد.

دارو دسته براسول در تماس نزدیکی با وزارت امور خارجه آمریکا قرار داشته و بسیاری از داده هایی که این وزارت خانه را در مورد مستند بودن "مدارک سیسن (3) متقاعد ساخته بود، از طریق آنان تهیه شده بود. براسول با ادعای خبرگی در امور روسیه موفق گردید برای خود در سرویس مخفی ایالات متحده مقامی دست و پا کند. یکی از نخستین فعالیتهای او بعنوان مامور بی.

یک آمریکا، گماشتن ناتالی دو بوگوری دختر یکی از ژنرال های سابق تزاری، به ترجمه به انگلیسی "پیش قراردادهای ریش سفیدان صهیون" بود؛ جعلیات معروف ضد یهودی که در روسیه امپراتوری توسط پلیس مخفی تزاری بعنوان محرکی برای قتل عام یهودیان بکار گرفته

می شد و اکنون نیز توسط تزاریست مهاجر آلفرد زرنبرگ در مونیخ منتشر می گشت.

براسول ترجمه این پروتکل ها را بعنوان مدارک رسمی که " انقلاب روسیه را توضیح می دهد" ، در پرونده های سرویس مخفی آمریکا گنجاند .
 این شخص برای تامین حمایت آمریکاییها از سفیدها و متقاعد نمودن آنان به این که انقلاب بلشویکی نیز بخشی از " توطئه بین المللی یهود " می باشد، به پخش " پروتکل های صهیون " در سراسر آمریکا پرداخت . وی این جعلیات تزاری را با نوشته های ضد یهودی خود همراه نمود .
 در اوایل 1921 ، کتابی تحت عنوان " دنیا بر سر دوراهی " بقلم براسول در بستن منتشر گردید . کتاب مزبور بر آن بود که انقلاب روسیه بر اثر تحریک ، حمایت و رهبری یهودیان صورت گرفته است و این که سرنگونی تزار و تحولات بین المللی بخشی از " جنبش مشنومی (بد یمنی) است که یهودیان جهان و آقای ویلسون را با هم متحد نموده است " . کمی پیش از آغاز ژوئیه 1921 ، براسول در نامه ای که به یک مهاجر سفید دیگر در ایالات متحده یعنی ژنرال کنت و . چیرپ-سپیرودویچ نوشت بخود می بالید که :
 " در طی سال گذشته سه کتاب نوشته ام که ضررش به یهودیان از ده قتل عام بیشتر بوده است "

چیرپ-سپیرودویچ نیز سهم خود مبلغ ضد یهودی بزرگی بود . وی بعلاوه از جانب سرمایه دار معروفی در آمریکا نیز حمایت مالی می شد . نام این سرمایه دار هنری فورد بود . پاریس براسول که خود نیز در تماس نزدیکی با ماموران کمپانی فورد قرار داشت ، رونوشتهایی از پروتکل ها را در اختیار این میلیارد اتومبیل ساز قرار داد ... (4)

3 - صده های سیاه در دیترویت

اتحادی عجیب و شیطانی در آمریکا ، ما بین مهاجران فنودال منش تزاری و سرمایه دار صنعتی آمریکایی که یکی از مدرن ترین شیوه های تولید را در جهان برپا کرده بود ، برقرار گردید ... در پایان جنگ ، هنری فورد بصورت فردی ترشرو و افسرده درآمده بود . طرح ساده لوحانه " کشتی صلح " که وی در زمان جنگ به اروپا فرستاده بود به شکستی فاحش انجامیده و در نتیجه اتومبیل ساز مورد استهزای عموم قرار گرفته بود .

ناکامی وی در اخذ وامی از وال استریت بمنظور گسترش تجارتش به تلخ کامی اش افزوده بود . فورد به همان اندازه که در امور فنی دارای قریحه بود بهمان اندازه نیز از فرهنگ بی بهره بود و همین امر باعث شد که گوش شنوایی برای سفیدهایی داشته باشد که بنزد وی آمده و یهودیان را مسبب شکستهای وی جلوه می دادند . فورد پس از بررسی دقیقی از پروتکل مزبور به این نتیجه رسید که تنها افراد نامبرده هستند که در مورد انگیزه مشکلات وی دارای توضیح اند . وی سپس تصمیم گرفت با چاپ این جعلیات ضد سامی در روزنامه خود " دیر بورن ایندی پندنت " به آن ها جنبه ای فراگیر بخشد .

نتیجه این که کارخانه موتور سازی فورد در دیترویت مأوایی گردید برای اشراف روسی ، تروریست های گارد سفید ، پا گرامیست های (طرفداران قتل عام) صده سیاه و ماموران سابق پلیس مخفی تزاری که پس از انقلاب به آمریکا گریخته بودند . این افراد فورد را متقاعد نمودند که دولت آمریکا خود در خطر یک " توطئه یهودی " انقلابی قرار داشته و این که گروه ها و افراد لیبرال آمریکایی در حقیقت " جبهه های یهود " می باشند . در سایه نظارت های خبره وار این افراد و نیز احترام و حمایت ناشی از ثروت و موقعیت فورد ، سازمانی عظیم و پیچیده برای جاسوسی در کار لیبرال های آمریکایی ، پیشبرد پروژه های ارتجاعی ضد شوروی و جمع آوری یاهو های ضد یهودی و پخش تبلیغات یهود آزار در ایالات متحده تاسیس گردید .

مرکز عملیات این سازمان در کمپانی فورد موتورز واقع بود . اعضای آن دارای شماره های کد ویژه ای بودند . منشی خصوصی فورد 121 ایکس خوانده می شد و دابلوی . جی . کامرون سر دبیر

دیر بورن ایندی پندنت 122 ایکس . ناتالی دبوگوری دستیار براسول ، که پروتکا ها را به انگلیسی ترجمه نموده بود ، مامور 29 اچ بود . سازمان فورد در تمامی زوایای زندگی امریکا رخنه نمود . اکنون دیگر اعضای آن در روزنامه های بزرگ، دانشگاههای معروف ، شرکتهای معروف و حتی آژانس های دولتی امریکا فعال بودند . دکتر هریس هاوتن ، عضو سابق سرویس خبر چینی نظامی امریکا ، باصطلاح " سرویس آگاهی فورد " یعنی بخشی ویژه از دستگاه توطئه چینی مزبور را رهبری می کرد . شماره کد دکتر هاوتن 103 ای بود . عملکرد عمده سرویس آگاهی فورد تأمین اطلاعات مخفی در مورد لیبرال های سرشناس امریکایی بمنظور تبلیغات ضد شوری و ضد یهودی بود . در میان افراد کاوش شده ای که نامشان در لیست سیاه قرار داشت نام وو درو ویلسون ، سرهنگ ریموند رابینز ، پدر روحانی جان هینس ، هلمز ، هلن کلر ، جاستیس هیوز ، براندیس بچشم می خورد . بر طبق گزارش های مخفیانه سرویس آگاهی ، افراد مزبور و بسیاری دیگر در " توطئه یهود " برای تلاشی دولت امریکا بکار گرفته شده بودند .

یافته های سرویس آگاهی در روزنامه فورد ، دیر بودن ایندی پندنت همزمان با چاپ دنباله دار پروتکل های صهیون درج می گردید . این یک نمونه از این تفسیرهاست که در مورد ویلسون آورده شده است :

" آقا ویلسون بهنگام ریاست جمهوری به یهودیان بسیار نزدیک بود . دستگاه اداری وی همان گونه که همه آگاهند ، بطور عمده از یهودیان تشکیل شده بود . آقای ویلسون بعنوان یک روحانی پرستی ترین (بخشی از کلیسای پروتستان . م) ، گهگاه در خطابه های عمومی اش گذری به شیوه تفکر مسیحی پیدا می کرد و (از این رو) همواره توسط سانسورچی های یهودیش کنترل شدید می شد . "

حکایتی در مورد ویلیام هاوارد تفت در دیر بودن ایندی پندنت با این پارگراف خاتمه می یافت : " این است داستان تلاش ویلیام هاوارد تفت برای مقابله در برابر یهودیان و شکست وی توسط آنان . شاید بی جا نباشد بدانیم که او نیز بصورت یکی از آن " جبهه های مسیحی با اصل ونسبی " درآمد که یهودیان در دفاع از خود مورد استفاده قرار می دادند . "

ماموران مخصوص سازمان فورد به اطراف و اکناف جهان گسیل شدند . آنان هزاران کیلو متر را در جهت جمع آوری جعلیات و اتهامات جدید بر علیه یهودیان پیمودند . یکی از این ماموران سفیدی بود بنام رودینف که برای بدست آوردن مطالب تبلیغی ضد سامی از جامعه روسهای سفید در ژاپن به آن دیار روانه شد .

رودینف پیش از خروج از ایالات محتده ، تلگرامی باین شرح به چارلز دابلیو اسمیت یکی از اعضای عالیرتبه سازمان فورد ارسال نمود . شرایط من بشرح زیر است :

در جریان شش ماهی که مواد مورد توافق را بطور اخص برایتان می فرستم ، ماهانه مبلغ هزار و پانصد دلار امریکایی قابل پرداخت در بانک یوکوهاما را حواله خواهید کرد . وجه مربوط به مطالب قبلا فرستاده شده را نیز پرداخت خواهید نمود .

نورمن هپ گود روزنامه نگار معروف امریکایی و بعدها وزیر مختار امریکا در دانمارک ، در توصیف شرایطی که در کمپانی فورد موتورز ایجاد شده بود نوشت :

در فضایی که ماموران فورد کار می کردند بحث واقعا بر سر قتل عام یهودیان در این کشور دور می زد . در حقیقت همان بیماری که در روسیه زمان صده های سیاه وجود داشت دقیقا در دوایر فورد ظهور نموده بود ... این از لحاظ سیاسی به این مفهوم بود که تاریخ در حال تکرار خویش است . در حالی که براسول در این کشور رهبری روسهای ترک دیار کرده ای را داشت که در حال کوشش در راه نشانیدن مجدد رومانف ها به تخت سلطنت بودند ، پیگردهای فورد نیز در سیر منطقی حوادث دنباله همان جنگهای صلیبی بود که جباران اروپا در طی قرون ، بطور مکرر

برافروخته بودند تا از این راه شور مذهبی نا آگانه توده ها را در راه منافع شخصی خویش برانگیزند .

سلطان اتومبیل امریکا ، هنری فورد نیز همانند هنری دیتردینگ در انگلستان و فریتس تیسن در آلمان ، خود را با آنتی بلشویسم و پدیده رو بگسترش فاشیسم هم هویت نموده بود . بنابر گزارش روزنامه نیویورک تایمز 8 فوریه 1923 ، آور ، معاون روزنامه باورین دایت ، بطور آشکار اعلام کرد که :

باورین دایت دیر زمانی است که در مورد حمایت مالی سرمایه دار ضد سامی امریکایی هنری فورد از هیتلر آگاهی یافته است . علاقه آقای فورد به جنبش ضد یهودی باواریا از یک سال پیش ، یعنی از زمانی که یکی از مامورانش با دیتربیش ایشهارت ، آلمان پرست بد نام تماس برقرار نموده ، آغاز گردید مامور مربوطه به امریکا بازگشت و بلافاصله پولهای آقای فورد به مونیخ سرازیر گردید . آقای هیتلر آشکارا از حمایت آقای فورد اظهار مباهات کرده و آقای فورد را نه فقط بعنوان شخصیتی بزرگ بلکه بعنوان یک ضد سامی بزرگ ستایش می نماید . در دفتری کوچک در خیابان کرنلیوس مونیخ ، که مرکز عملیات هیتلر را تشکیل می داد ، تصویری منفرد و قاب شده بدیوار آویخته شده بود : تصویر هنری فورد
* * * * *

توضیحات این بخش :

1 - ریلی نمی توانست امتیاز کامل این پیروزی را به خود اختصاص دهد . اشخاص دیگری در امریکا یافت می شدند که نه کمتر از او در جهت جلوگیری از این وام نیرو مصرف می نمودند . یکی از این افراد هربرت هور وزیر بازرگانی امریکا بود که در دشمنی با بلشویک ها گوی سبقت را از همه می ربود . این شخص در 31 مارس 1921 به ماکسیم لیتوینف اطلاع داد که :
" مسئله بازرگانی با روسیه تا زمانی که این کشور تحت رهبری بلشویکها قرار دارد ، بیشتر امری سیاسی است تا اقتصادی . "

2 - براسول به روزنامه نگاری که پس از ورودش به ایالات متحده با او مصاحبه ای بعمل آورد چنین گفت : " من دومین سرباز جوی بزرگ روسیه بودم و طرق کشف قتل را در سراسر اروپا ، در سویس ، آلمان ، فرانسه و انگلستان بنا به دستور دولتمان مطالعه کرده و در این زمینه خبره شده بودم . "

روزنامه نگار امریکایی از وی پرسید که آیا به این امر که یهودیان به قربانی کردن مذهبی افراد دست می زنند ، اعتقاد دارد گفت " چرا نه ؟ " . خبرنگار مزبور بعدها احساس خود را به هنگام مصاحبه چنین بیان نمود :

" هنگامی که رو در روی این روسی طرفدار صده های سیاه قرار گرفته و به سخنان او گوش دادم به خود لرزیدم که در قرن بیستم شخصی با چنین خونسردی از سببیت قرون وسطایی مزدوران تزاری صحبت نماید . "

3 - این " مدارک " سیسن که باصطلاح ثابت می کرد که لنین و سایر رهبران شوروی از سرفرمانده نظامی آلمان پول دریافت می کردند ، پس از انقلاب بلشویکی توسط وزارت امور خارجه امریکا منتشر و در آن کشور پخش گردید . مدارک مزبور که در ابتدا توسط سفیدها برای فروش ارانه گردیده بود از سوی سرویس مخفی انگلیس بعنوان اسناد جعلی مردود شناخته شد . ادگار سیسن یکی از ماموران وزارت امور خارجه امریکا ، این مدارک را خریداری کرده با خود به واشینگتن برد . اما سرانجام جعلی بودن آنها آشکار گردید .

4 - شرح جزئیات فعالیت های مخفی براسول در ایالات متحده در بخش 23 کتاب آمده است .

